




Discourse Analysis of Iran and China Leaders towards the International System

Hadi Torki

Corresponding author, Ph.D. in International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran.


Email: haditorki1366@yahoo.com

 0000-0002-6006-6349

Shahrooz Shariati

Associate Professor of Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Email: shariati@modares.ac.ir

 0000-0002-5254-4849

Abstract

Today, there are at least two views and different images of the power of the West. The first picture says that with the collapse of the Soviet Union and the Eastern Bloc, Western hegemony and values are spreading to other regions and civilizations of the world, and Western values will continue to play a major role in shaping the future political, economic and security relations of the world. Based on this point of view, non-western societies will need to follow western values in order to achieve development, otherwise they will not be able to achieve ideal progress. Against this optimistic view of the West, there is another image that introduces the Western civilization in decline and degeneration. This narrative believes that the current century should be considered the beginning of the end of Western power. From this point of view, it seems that Iran and China have a common vision to contain, reduce or confront the global hegemony of the West. From a political and ideological point of view, Iran has been able to redefine the anti-hegemonic power in the West Asian region, and on the other hand, China's economic performance has been able to expand the Chinese development model in the world and design a full-scale competition against the American hegemony. Meanwhile, most of the leaders of Iran and China believe that the current system ruling the world under the leadership of the United States is unfair and the existing international system cannot and should not continue to rule on this basis. The main question of this article is how the leaders of Iran and China view the structure of the international system. The findings of the research using the discourse content analysis method show that while the Iranian leaders' view of the structure of the international system is confrontational and philosophical, the Chinese leaders' view of the structure of the international system is based on political and economic cooperation. The article shows that despite the similarities between the discourses of the leaders of Iran and China, the critical positions of the leaders of the two countries towards the international order and the attempt to weaken the American hegemony have fundamental differences.

Keywords: Iran, China, Counter-Hegemony, Unilateralism, Revisionism.

E-ISSN: 2588-6541 / Center for Strategic Research / Quarterly of Foreign Relations
Quarterly of Foreign Relations is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



 10.22034/fr.2023.393157.1370

نسبت‌سنجی مواضع گفتمانی رهبران ایران و چین درباره نظم بین‌المللی

هادی ترکی

نویسنده مسئول، دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: haditorki1366@yahoo.com

ORCID: 0000-0002-6006-6349

شهرروز شریعتی

دانشیار علوم سیاسی (مسائل ایران)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Email: shariati@modares.ac.ir

ORCID: 0000-0002-5254-4849

چکیده

چین و ایران تجارب تاریخی مشابهی را پس از فروپاشی امپراتوری و سلسله‌های پادشاهی پشت سرگذاشته و وجوه مشترکی دارند. اکثر رهبران دو کشور بر این باورند که نظام فعلی حاکم بر جهان که بر پایه سلطه قدرت‌های غربی به رهبری آمریکا قرار دارد، غیرمنصفانه بوده و نظام بین‌الملل موجود نمی‌تواند و نباید بر این اساس به حاکمیت خود تداوم دهد. افزون بر این، اهداف معاصر و نگرانی رهبران دو کشور از قدرت‌های خارجی که می‌کوشند آنان را از داشتن جایگاه ویژه بین‌المللی محروم سازند، از دیگر اشتراکاتی است که می‌تواند چین و ایران را صرف‌نظر از سطوح توانایی و اثرگذاری با یکدیگر در یک چهارچوب قرار دهد. مسئله اصلی این مقاله این سؤال بوده که مواضع رهبران ایران و چین درباره ساختار نظام بین‌المللی طی یک دهه گذشته از منظر گفتمانی چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ یافته‌های پژوهش با روش تحلیل محتوای گفتمانی و معناشناسی شناختی از اظهارات رهبران ایران و چین و با گزینش، کدگذاری و طبقه‌بندی گویه‌های انتقادی آنان در قبال وضع موجود و انتظارات آنان از وضع مطلوب این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد، «درحالی که رهبران ایران، ساختار نظام بین‌المللی را با واژگان تقابلی و فلسفی نقد و ارزیابی می‌کنند، رهبران چین ساختار نظام بین‌المللی را بیشتر با واژگان تعاملی، سیاسی و اقتصادی صورت‌بندی شده می‌کنند. پژوهش حاضر، همچنین نشان می‌دهد با وجود مشابهت، مواضع انتقادی رهبران دو کشور به نظم بین‌المللی و تلاش برای تضعیف هژمونی آمریکا صورت‌بندی گفتمانی و سیاست‌های تجدیدنظرطلبی دو کشور واجد تفاوت‌های اساسی است.

کلیدواژه‌ها: ایران، چین، کانترهژمون، گفتمان، یک‌جانبه‌گرایی، تجدیدنظرطلبی.



مقدمه و بیان مسئله

مروری بر ادبیات موجود درباره ساختار نظام بین‌المللی بیانگر این نکته است که دست‌کم دو دیدگاه و گفتمان متفاوت از قدرت غرب در مقایسه با دیگر مناطق جهان مشاهده می‌شود. تصویر نخست ناظر بر این نکته است که هژمونی و ارزش‌های غربی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک موسوم به شرق در حال گسترش و تسری به دیگر مناطق و تمدن‌های جهانی است و ارزش‌های غربی همچنان نقش اصلی را در شکل‌دهی به ترتیبات و گفتمان‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی آینده جهان ایفا خواهند کرد. بر مبنای این گفتمان، جوامع غیرغربی برای نیل به توسعه نیازمند تبعیت از ارزش‌های غربی خواهند بود و در غیر این صورت نخواهند توانست به پیشرفت و تحول آرمانی دست یابند. در برابر این گفتمان یا دیدگاه خوش‌بینانه از غرب، تصویر و روایتی دیگر موجود است که تمدن غربی را در حال سقوط و انحطاط معرفی می‌کند و معتقد است قرن حاضر را باید آغاز پایان قدرت و ابرروایت‌های هژمونی غرب دانست. از این منظر ارزیابی رویکرد مشترک ایران و چین برای مهار، کاهش و یا مقابله با هژمون جهانی بیانگر این نکته است که ایران از منظری سیاسی و ایدئولوژیکی در منطقه غرب آسیا توانسته است در برابر هژمونی آمریکا تا حدودی موفق رفتار کند و از سوی دیگر عملکرد اقتصادی چین توانسته است، الگوی توسعه چینی را در جهان گسترش دهد و رقابتی همه‌جانبه را با هژمونی آمریکایی طراحی کند. رقابت هژمونیک آمریکا و چین، رقابتی راهبردی در همه مؤلفه‌های قدرت را شامل می‌شود و طیف کاملی برای کسب ثروت، قدرت و نفوذ در سطوح منطقه‌ای و جهانی است که مدل‌های رقابتی برای حکومت سیاسی، توسعه اقتصادی و همچنین ساختار و قوانین نظام بین‌المللی را نشان می‌دهد. این مقاله با پنداشت مواضع رهبران معاصر ایران و چین به‌مثابه یک مقوله گفتمانی و با بررسی صورت‌بندی‌های گفتمانی این مواضع، می‌کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد که: مواضع رهبران ایران و چین درباره ساختار نظام بین‌المللی طی یک دهه گذشته از منظر گفتمانی چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ مقاله در پاسخ به این پرسش و با روش تحلیل محتوای گفتمانی و معناشناسی شناختی از اظهارات رهبران ایران و چین این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد، درحالی‌که رهبران ایران ساختار نظام بین‌المللی را با واژگان تقابلی و فلسفی نقد و ارزیابی می‌کنند، نقد و ارزیابی رهبران چین از ساختار نظام بین‌المللی بیشتر با واژگان تعاملی، سیاسی و اقتصادی، صورت‌بندی شده است. این فرضیه بر پایه این مفروض قرار دارد که رهبران دو کشور ایران و چین در حال

پرورش و بازتولید عناصر هویتی و معرفتی مستقل از غرب هستند. مقاله همچنین با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمانی لاکلاو و موفه و بهره‌گیری از آموزه‌های نظریه‌پردازان دو مکتب رئالیسم و سازنده‌گرایی در روابط بین‌الملل، رقابت‌های ایران و چین به‌عنوان بازیگر منطقه‌ای و بازیگر بین‌المللی با هژمون جهانی را مورد ارزیابی قرار خواهد داد. از منظر این نوشتار چین و ایران با رویکرد تجدیدنظرطلب و مخالف یک‌جانبه‌گرایی هژمونی آمریکا با استانداردهای دوگانه، سعی دارند از طریق منابع مالی و در اختیار، نهادسازی و ایده‌های ضد استکباری، مخالفت و رویکرد خود را به نظم لیبرال بروز دهند. لازم به توضیح است نوآوری اصلی این مقاله افزون بر ملاحظات روشی در مقایسه تطبیقی مواضع رهبران ایران و چین از منظر گفتمانی و دستیابی به تضمن‌های این مقایسه در بخش نتیجه‌گیری است.

۱. پیشینه پژوهش

ترکی و قربانی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان: *چالش نظم نئولیبرال و رویکرد اجماع یکن با تمرکز بر قدرت اقتصادی*، به تقابل نسبی چین و آمریکا می‌پردازند که در منابع، ایده و نهاد آن را مورد بررسی قرار می‌دهند. ارغوانی پیرسلامی (۱۳۹۳)، در رساله دکتری خود یکی از موضوعات مهم چالش‌انگیز سیاست خارجی ایران طی دهه‌های اخیر را به ماهیت روابط ایران با چین مرتبط می‌داند. براتی (۱۳۹۷) در رساله دکترا با عنوان: *جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی چین (۲۰۱۷-۲۰۰۸)*، به بررسی سیاست خارجی چین در خاورمیانه به‌ویژه پس از خیز اقتصادی این کشور می‌پردازد. شریعتی (۱۳۹۴) در مقاله *ظرفیت استراتژیک ایران در دکترین خیزش صلح‌آمیز چین* نشان می‌دهد که دکترین خیزش صلح‌آمیز چین، با وجود بازتولید عناصر هویتی مستقل از غرب، مانع از تحقق سطح عالی روابط بین ایران و چین در کوتاه‌مدت و میان‌مدت خواهد بود. کشوریان (۱۳۹۹) در رساله دکترا با عنوان: *تأثیر اقتصاد سیاسی عمل‌گرایانه چین بر ساختارها و فرایندهای مالی و تجاری برتن وودز (۲۰۱۸-۲۰۰۱)*، به نقش چین در نهادهای مالی و تجاری در نظام جهانی می‌پردازد. کشوریان، ظهور چین را به‌عنوان یک پدیده می‌داند که پس از سال ۲۰۰۱ نظم اقتصادی و سیاسی را به همراه ساختارها و فرایندها آن تحت تأثیر قرار داده و بر عمل‌گرایی چین که بر حوزه مالی و تجاری نظام برتون وودز تأثیر داشته، توجه می‌نماید. وکیلی (۱۴۰۱) در رساله خود با عنوان: *تحلیل روند خیزش*

چین و رویکرد آن در بازآفرینی نظم جهانی، به قدرت نرم چین در سیاست خارجی خود می‌پردازد. نویسنده با تأکید بر فرهنگ تیان‌شیا سعی دارد که این خیزش را با فرهنگ باستانی چینی تطبیق دهد. شاهنده (۱۳۹۶) در کتاب *چین: روابط با آمریکا و ایران*، به تجزیه و تحلیل روابط سه‌گانه آمریکا، چین و ایران در یک فرایند هفتادساله از زمان تأسیس نظام سوسیالیستی در چین قاره‌ای (سرزمین مادری چین به‌استثنای جزیره‌های تایوان، هنگ کنگ و ماکائو) و اعلام جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ م. پرداخته است. شاهنده متذکر می‌شود در ایران تأکید دارند که ما روابط استراتژیک با چین داریم، اما چنین نیست. روابط ما با چین در یک محدوده‌ای عمل می‌کند که تحت تأثیر فشار آمریکا است.

«پائولو اوریو»^۱ (۱۳۹۳) در کتاب *الگوی چینی توسعه*، به بررسی تمدن چین پرداخته است. این کتاب روایتی است مستند و متکی بر تحلیلی چندوجهی از متأخرترین و البته مهم‌ترین دوره تلاش‌های چین در مسیر پیشرفت که به دوره اصلاحات موسوم شده است. خان‌محمدی و دیگانگ (۲۰۲۲) در مقاله *قرارداد بین ایران و چین در تغییر سیستم بین‌المللی*، به این مطلب می‌پردازند که بعد از همه‌گیری بیماری کرونا سیاست و اقتصاد بین‌المللی دچار نوعی تغییر سیستمی گردید و این درحالی است که قدرت‌های غربی آسیایی و اوراسیا در حال افزایش قدرت شدند و همین امر باعث شد که نظام بین‌الملل که سه قرن تحت سیطره غرب بود، جای خود را به سیستمی مختلط دهد. آنان (۲۰۲۰) در مقاله خود با عنوان: *سنت دائوئیست در فرهنگ راهبردی چین: درک ابعاد عمل‌گرایانه رفتارهای چین در سیستم بین‌المللی*، چنین اظهار داشته است، نقش دائوئیسم در درک الگوهای رفتاری چین اهمیت بسیار زیادی دارد و سنت راهبردی دائوئیستی یک سیستم بسیار محکم است که بر پنج رکن اصلی عقلانیت راهبردی، دوراندیشی راهبردی، بهینه‌سازی راهبردی، مهار راهبردی و انعطاف راهبردی مبتنی است. کای‌چن (۲۰۲۰) نیز در مقاله خود با عنوان: *مروری بر ارتباطات راهبردی فرهنگ با راهبردهای ملی خارجی: نمونه موردی فرهنگ راهبردی چین*، کوشیده است تا ضمن بررسی پیوند میان فرهنگ راهبردی و راهبردهای ملی چین با حوزه‌های اطراف، چگونگی سازگاری فرهنگ راهبردی چین با شرایط متغیر راهبردهای مختلف را نیز مورد کنکاش قرار دهد. بلال زبیر و نذیر حسین (۲۰۲۰) نیز در مقاله خود

1. Paolo Orio

هدف استراتژی ارتباطات بین‌المللی چین را افزایش قدرت نرم فرهنگی برای تأثیرگذاری بر مردم خارجی دانسته‌اند.

تفاوت همگی این آثار با پژوهش حاضر ناظر بر این نکته است که این مقاله از منظری گفتمانی و تطبیقی به ارزیابی مواضع رهبران دو کشور درباره نظم بین‌المللی پرداخته است. دیگر نوآوری این مقاله افزون بر ملاحظات روشی دستیابی به تضمین‌های این شیوه مقایسه در تحلیل روابط ایران و چین بوده، که در نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۲. روش‌شناسی تحلیل گفتمان

فهم پدیدارها در روش‌شناسی‌های مبتنی بر تحلیل‌های گفتمانی، بیش از آنکه ماهیتی پوزیتیویستی داشته باشند، دارای ماهیت پرسپکتیویستی هستند. ماکس وبر در مقاله‌ای با عنوان: *عینیت در علوم اجتماعی و سیاست اجتماعی* (Weber, 2011, pp. 49-113) تصریح می‌کند که جایگاه فهم در علوم اجتماعی به مراتب فراتر از جایگاه تجربه‌گرایی است و هدف غایی علوم اجتماعی نیز باید فهم دقیق پدیدارها باشد. در همین حال باید توجه داشت تصورات ذهنی رهبران که در کنش‌های گفتاری آنان منعکس می‌شود، نقش کلیدی در نمایان ساختن پویایی‌ها و تحولات سیاسی دارند (های، ۱۳۸۵، ص. ۳۱۲) و این در حالی است که در نظریات سنتی روابط بین‌الملل، افکار و تصورات از جایگاه چندانی برخوردار نیستند (Berman, 1998, p.16). از منظر نظریات تحلیل گفتمان به‌منظور فهم بهتر تحولات سیاسی را باید با پذیرش این اصل شروع کرد که بدون درک تصور ذهنی کنشگران نمی‌توان رفتار سیاسی آنان را درک و استنباط کرد. روش‌های مبتنی بر روش‌شناسی معناشناسی شناختی و تحلیل‌های گفتمانی به ارزیابی رابطه بین نظام مفهومی و ساختار معنایی می‌پردازد. از این منظر گفتمان‌ها کلیت ساختاریافته‌ای هستند که در نتیجه عمل مفصل‌بندی پدیدار می‌شوند. مفصل‌بندی عبارت از گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آن‌ها است که می‌تواند یک هویت کلی را شکل دهد (هوارث، ۱۳۷۷، ص. ۱۶۳). گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آن‌ها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند هویت و معنا می‌یابند و درک از جهان را شکل می‌دهند. فعالیت‌ها و پدیده‌ها زمانی قابل فهم خواهند شد که در کنار مجموعه‌ای از عوامل دیگر در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند (Laclau & Muffe, 1985, p.105). هسته مرکزی منظومه گفتمانی «دال

مرکزی»^۱ است که در اصل نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها حول آن نظم می‌گیرند و نیروی جاذبه این هسته سایر نشانه‌ها را به خود جذب می‌کند و به آن‌ها سامان می‌بخشد. در فرایند مفصل‌بندی، گفتمان‌ها تلاش می‌کنند با اتخاذ راهبردها و روش‌های خاص به دال‌های سیال و شناور معنایی تازه بخشیده و آن‌ها را در قالب گفتمانی مصادره به مطلوب نمایند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص. ۶۰). بر این اساس، هویتی که در گفتمان به کارگزاران اجتماعی داده می‌شود، تنها با مفصل‌بندی در درون یک صورت‌بندی هژمونیک به دست می‌آید (مارش و استوکر، ۱۳۸۸، ص. ۲۰۹). «لاکلاو و موف»^۲ معنای بسیار عام‌تری از «هژمونی»^۳ را در مقایسه با گرامشی به کار می‌برند از منظر آنان مهم‌ترین کارکرد هژمونی، تثبیت موقت هویت‌ها و نیز جایگزینی سلطه به جای زور و طبیعی جلوه دادن قدرت و مطابق حقیقت نشان دادن آن با واقع است (سلطانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۹). در همین حال، لاکلاو و موف دو مفهوم «دسترس»^۴ و «اعتبار»^۵ را برای توضیح چگونگی موفقیت گفتمان‌ها به کار می‌برند. از این منظر گفتمان‌ها باید بتوانند با جذب دال‌ها در قالب خود، به ابهام و خلأ معنایی موجود پایان بخشیده و آن‌ها را در دسترس عاملان اجتماعی قرار دهند و درنهایت امکان استیلا را فراهم نمایند. قابلیت اعتبار نیز به معنای عدم ناسازگاری اصول پیشنهادی گفتمان با اصول اساسی گروه‌های اجتماعی هدف می‌باشد (حقیقت و حسینی‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۱). درعین‌حال ایجاد ضدیت‌ها و خصومت‌ها نیز به‌واسطه تأسیس مرزهای سیاسی، تثبیت مرزهای سیاسی و هویت‌سازی برای گفتمان‌ها ضرورت دارد (Laclau & Muffe, 1985, p.134).

براساس نظریه گفتمان، کسب یک نوع هویت کامل و مثبت از سوی کارگزاران و گروه‌ها بدون حضور «دیگری» غیرممکن خواهد بود. از این رو گفتمان‌ها تلاش می‌کنند از طریق «منطق تفاوت» دشمن‌سازی نموده و به خود هویت بخشند تا از یک سو مانع عینیت و تثبیت گفتمان‌های رقیب و از سوی دیگر سازنده هویت و عامل انسجام باشند (مارش و استوکر، ۱۳۸۸، ص. ۲۰۵). از این منظر هر دال و نشانه‌ای، با غیر خود، معنا و مفهوم می‌یابد و میزان «فردیت»^۶، «عاملیت اجتماعی» و «سوزگی سیاسی» در آن مشخص می‌شود (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص. ۷۹).

1. Nodal Point
2. Laclau & Muffe
3. hegemony
4. Availability
5. Credibility
6. Subjectivity

۳. چهارچوب نظری

این مقاله از چهارچوب نظری «ضد هژمون» بهره برده است، هژمونی، واژه‌ای که توسط آنتونیو گرامسچی در جامعه‌شناسی مطرح شد (Gramsci, 1971, p. 8). هژمونی به‌مثابه شکلی از کنترل ایدئولوژیک، فنی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، صنعتی و علمی بوده که به تداوم ساختار مسلط کمک می‌کند. هژمونی را باید یک «وضعیت» دانست. واژه هژمونی از دهه ۱۹۷۰ در روابط بین‌الملل مطرح شد و برخی مانند «رابرت کاکس»^۱، و «استیفن گیل»^۲ به آن در سطح بین‌الملل توجه داشتند و افرادی نیز مانند «گلپین»^۳، «کوهن»^۴، «نای»^۵ و «والرشتاین»^۶ با خوانشی متفاوت در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و قدرت نرم به آن پرداختند.

مفهوم هژمونی در رئالیسم کلاسیک وضعیت عدم توازن قدرت را به خود می‌گیرد (Gipin, 1981, p. 33). دولت هژمونیک ظرفیت زیادی برای اجبار، نفوذ و کنترل در ساختار نظام بین‌المللی دارد و در نتیجه رفتار بین‌المللی سایر دولت‌های را می‌تواند شکل دهد (Goldstone, 1987, p. 31). در نزد واقع‌گرایان، در نظام تک‌قطبی ثبات هژمونیک اصلی مهم است و برای پایدار ماندن و امنیت و ثبات آن، سیستم نیازمند یک دولت هژمونیک است (Kindelberger, 1973, p. 49).

نظریه ثبات هژمونیک چنین فرض می‌گیرد که کاهش قدرت هژمون، موجب ظهور یک قدرت رقیب جدید می‌شود (Gipin, 1981, p. 36). در نهایت، کشوری دارای هژمون است که توانسته است در همه جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تبلیغاتی و ایدئولوژیکی تسلط به سایر دولت-ملت‌ها را داشته باشد و نوعی رضایت‌مندی را حاصل کرده باشد و همان‌طور که کافمن و دیگران یادآور می‌شوند، هژمونی به معنای کنترل کردن و رهبری نظام بین‌الملل به‌عنوان یک کل است (Kaufman, Wohlforth, Little, 2017, p. 7).

لیبرالیسم، هژمونی را در نهادگرایی می‌بیند (Ikenberry, 1998, p. 153). پایان جنگ سرد، نشانه ظهور مفهوم «حکومت جهانی»^۷ بود که این درک لیبرالی منجر به اصطلاح «هژمونی خوب» شد (Ikenberry, 1999, p. 45). بنابراین، نئولیبرالیسم موفق

1. Robert Cox
2. Stephen Gale
3. Golpin
4. Cohen
5. Joseph Nye
6. Wallerstein
7. cosmocracy

شد رهبری بین‌المللی را از طریق هنجارها و نهادهای چندجانبه هماهنگ سازد (Ashraf, 2019, p. 7). در این میان برخی با نگرش انتقادی به هژمونی نگاه می‌کنند. رابرت کاکس تحلیل هژمونی جهانی را به‌عنوان الگویی از نیروهای طبقاتی، دولت در نظر می‌گیرد. در اینجا ساختارها و سازمان‌های بین‌المللی که نه تنها کنترل سرمایه‌داری را حفظ می‌کنند، بلکه با عضوگیری و مامشات با دولت‌ها و جنبش‌های اجتماعی که مخالف توزیع جهانی کنونی قدرت سیاسی و اقتصادی هستند، به مخالفت برمی‌خیزد (Cox, 1983, p. 165). این امر منجر به تثبیت هژمونی در نظام بین‌الملل می‌شود. در اینجا، دولت قدرتمند یا هژمون در شیوه مدیریت جهانی و برتری بدون داشتن رقیب در اقتصاد، سیاست، فرهنگ، ایدئولوژی و نظامی‌گری اشاره دارد (Callco, 1987, p. 14).

بنابراین هژمون سعی دارد که بتواند از طریق ایده‌ها، نهادها و منابع در اختیار خود، مانع قدرتیابی سایر کشورها شود و ظهور هر دولت بزرگ، تهدید قدرتی برای امنیت دیگران باشد (Jervis, 1978, p. 170). چرا که هژمون همواره این احساس خطر را دارد که با وجود شکل‌گیری یک ضد هژمون در سطح بین‌الملل قوانین بازی تا حد زیادی تغییر کند. مرشایمر اذعان می‌دارد که، «قدرت‌های بزرگ برای هژمونی در منطقه خود در جهان تلاش می‌کنند» (Kaufman, Wohlforth, Little, 2017, p. 9). مطابق آنچه درباره مفهوم هژمونی گفته شد، «ضد هژمون»^۱ به معنای تقابل با هژمون است. از آنجایی که هژمونی را می‌توان نوعی «وضعیت»^۲ برشمرد، بنابراین «وضعیت»، قابل تغییر و برای تغییر، نیازمند به‌نوعی آگاهی است. این تغییر علاوه بر خودآگاهی و توسعه نظم فکری و اخلاقی در زمان بحران اقتصادی یا سیاسی، بی‌عدالتی‌ها و معایب نظم هژمونیک ممکن است برای طبقات زیردست بیشتر نمایان شود. زمانی که نظام اقتصادی نتواند نیازهای اساسی را تأمین کند، یا طبقه حاکم با حکومت بد (یا فساد بیش‌ازحد) خود را بی‌اعتبار کند، مردم این سؤال را خواهند داشت که آیا این سیستم مستحق حمایت است یا باید اصلاح شود؟ این لحظه فرصتی برای جنبش‌های ضد هژمونیک است تا انتقادات خود را از نظام پیش ببرند و راه‌های جایگزینی برای سازماندهی تولید و دولت پیشنهاد کنند (Adkin, 2022, p. 218).

امروزه از طریق فضای مجازی، بسیاری از افراد، جنبش‌ها، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی توانسته‌اند، نقش مهمی در جریان‌های ضد هژمونیک داشته باشند.

1. Counter hegemony
2. Status

در این میان، ایکنبری و نیکسون در هژمونی به نقش حوزه قدرت، خارج از دولت، اشاره دارند و یادآور می‌شوند که «نقش بازیگران غیردولتی، فراملی و فرعی در این فرایندها جدی‌تر باید گرفته شود. سیاست و نظم هژمونیک، مانند چانه‌زنی، رقابت، و همکاری در درون سیستم‌های هژمونیک عمل می‌کند. به عبارتی، هژمون‌ها صرفاً نظم‌دهنده نیستند، بلکه نظم‌گیرنده (سفارش‌گیرنده) هم هستند» (Ikenberry, Nexon, 2019, p. 397-399).

این امر باعث می‌شود که هژمون‌ها از وضعیت خود خارج شده و با چالش همراه شوند. این چالش در حوزه‌های ایدئولوژیکی، نهادی و ساختاری و نیز سمت‌گیری و موازنه‌های قدرت قابل‌بررسی است. در زمان ضعف هژمونی، کانتر هژمون، تمامی اتفاقات و یا قریب به اتفاقات، روندها، نگرش‌ها، رفتارها، سازوکارها و امکانات را در راستای ضدیت با هژمون بسیج می‌کند. این امر در رقابت چین و ایران با آمریکا قابل‌بررسی است به‌نحوی که می‌توان شاهد رقابت‌های چین و آمریکا در دریای جنوبی چین و تایوان و رقابت ایران و آمریکا در منطقه غرب آسیا از منظری واقع‌گرایانه و امنیتی بود.

۴. تجدیدنظرطلبی ایران و چین از منظر گفتمانی

۴-۱. ایران

نگرش ایران به گفتمان هژمونی لیبرال را می‌توان در بستر مفاهیم اسلامی و شیعی مورد توجه قرارداد. این مفاهیم افزون بر اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل‌بررسی است در سیاست خارجی دولت‌های مختلف نیز قابل مشاهده بوده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به رویکرد گفتمانی «ایدئولوژیکی»، «فرهنگی» و «معنامحور» خود همواره خواهان تجدیدنظرطلبی در نظم بین‌الملل است. به نظر می‌رسد پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، روند تجدیدنظرطلبی نسبت به گفتمان لیبرالی را بتوان با تسخیر سفارت ایالات متحده در ایران مرتبط دانست و آن را سرآغازی جدی برای تنش بین ایران و آمریکا دانست، مصداق‌های دیگر گفتمانی مانند اطلاق «شیطان بزرگ» به آمریکا از سوی ایران و «محور شرارت» خواندن ایران از سوی ایالات متحده بیانگر ضدیت‌ها و خصومت‌های دو طرف به‌واسطه تأسیس و تشبیت مرزهای سیاسی و هویت‌سازی گفتمانی طرفین بوده است و این روند گفتمانی در مواضع رهبران، روسای جمهوری و ائمه جماعات

طی یک دهه گذشته همواره تداوم داشته است و هم‌زمان با ترور سردار قاسم سلیمانی، فرمانده فقید سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران از سوی دولت وقت ایالات متحده با کلیدواژه «انتقام سخت» از آمریکا ابعاد و پیچیدگی‌های بیشتری یافته است. در مجموع به نظر می‌رسد ترکیب خاص فرهنگی ایران، امکان همگرایی و همسویی بیشتر با نظم موجود را در آینده نزدیک نیز از آن سلب کند. همان‌طور که اشاره شد برخی دلایل این امر، از فرهنگ و متن خاص شرایط عینی و ذهنی ایرانیان نشئت گرفته و این موضوع موجب شده است، تا نحوه «نگاه به خود» و «نگاه به دیگران» تابعی از شرایطی باشد که در بیشتر مواقع مورد پسند پارادایم حاکم بر نظام بین‌الملل قرار نمی‌گیرد. براساس شواهد به نظر می‌رسد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چند سال آینده نیز شاهد تداوم اشتیاق برای تعهد نسبت به آرمان‌های جهان سوم، گرایش به سیاست‌های عدم تعهد و بی‌اعتمادی نسبت به غرب و به‌ویژه آمریکا و انگلیس باشد.

۴-۲. چین

انقلاب چین بیش از هر چیز دیگری بر مبنای نفرت و بدبینی از خارجیان، مخصوصاً از ائتلاف‌های کشورهای غربی برای مداخله در امور داخلی این کشور از قرن ۱۹ به بعد بوده است. با این وجود مواضع گفتمانی چین طی دوره شی‌جین‌پینگ، تأکید بر رویکرد جدید این کشور در قالب تغییر رویکرد محافظه‌کارانه و ارائه الگوی رفتاری مبتنی بر مشارکت چین در نظام بین‌الملل در قالب «خیزش صلح‌آمیز»^۱ است که هم تفاوت در مدیریت‌ها را می‌پذیرد و هم بر تحرک کشورها برای جابجایی قدرت تأکید دارد.

«شی‌جین‌پینگ» در «کمیته دائمی پلیتبورو حزب کمونیست»^۲ (جلسه مطالعاتی ۱۲ اکتبر ۲۰۱۵) دربارهٔ حکمرانی جهانی، اعلام کرد که «هدف اصلی مشارکت پکن در حکمرانی جهانی، کمک به تحقق رؤیای چین برای تجدید حیات عظیم ملت چین است» (مازار و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۲).

«چندجانبه‌گرایی»^۳، موضوع محوری سخنرانی «شی‌جین‌پینگ» در «مجمع جهانی اقتصاد»^۱ (WEF) در سال ۲۰۲۱ بود.

1. China's Peaceful Rise (中国和平崛起)

۲. کمیته دائمی پلیتبوروی حزب کمونیست چین، کمیته‌ای ۷ نفره است که از رهبری ارشد حزب کمونیست چین تشکیل می‌شود. هر عضو وظایفی در خصوص یک حوزه مهم از امور ملی از قبیل اقتصاد، قانون‌گذاری و ... را برعهده می‌گیرد.

3. Multilateralism

پینگ با پرداختن به چالش‌های جهانی پس از همه‌گیری کووید ۱۹، تأکید کرد که چندجانبه‌گرایی نباید بهانه‌ای برای اعمال «یک‌جانبه‌گرایی»^۲ باشد. علاوه بر این، «تفاوت‌ها در تاریخ، فرهنگ و نظام اجتماعی نباید بهانه‌ای برای تضاد یا تقابل باشد، بلکه باید انگیزه‌ای برای همکاری باشد» (Jinping, 2021, A).

علاوه بر این در جنگ اوکراین و روسیه موضع‌گیری‌های وی نیز قابل توجه است که نقش آمریکا را دارای اضمحلال می‌داند و سعی دارد که با مداخله‌گرایی مثبت جهت حفظ صلح به میانجی‌گری سازنده دست بزند. این ایده می‌تواند تقابل با هژمونی آمریکا از منظری گفتمانی باشد و این امر در رسانه‌های دولتی چین نیز در اولین سفر خارجی «جو بایدن»^۳ به اروپا قابل درک است که بر چندجانبه‌گرایی و نقد یک‌جانبه‌گرایی آمریکا انتقاد وارد می‌کند (Byun, 2021).

این مهم در زمینه جایگاه گفتمان دلار نیز تأثیرگذار است به‌گونه‌ای که پکن به‌ویژه پس از بحران مالی ۲۰۰۸ سعی داشت که «یوان» را جایگزین دلار در تبادلات تجاری خود با سایر کشورها کند (کریمی، غلامرضا و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۷۴۳). از سوی دیگر راهبردهای چین نیز واکنش‌های گفتمانی ایالات متحده را به همراه داشته است و این کشور طرح‌های مختلفی را برای مهار چین در دستور کار قرار داده است (شفیعی، نوذر، ۱۴۰۱، ص. ۲۰؛ زاهدی خطیر، صالحی، ۱۴۰۱، ص. ۱۴۵).

۵. روش پژوهش

روش این مقاله در ارزیابی مواضع گفتمانی رهبران مبتنی بر «تحلیل محتوای جهت‌دار»^۴ است که براساس مطالعه مفاهیم آشکار و پنهان در دیدگاه رهبران و اسناد رسمی در جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران طی یک دهه گذشته در قبال ادراک از وضع موجود و انتظار از وضع مطلوب، کدبندی، گزینش، تلخیص و طبقه‌بندی شده‌اند. در فرایند تحلیل داده‌های این مقاله نیز از مدل پیشنهادی «گرانهمیم و لاندمن»^۵ استفاده شد (Graneheim & Lundman, 2004, p. 105-112). طبق این روش، پس از چند بار بازخوانی مواضع یا مصاحبه‌ها، کدهای اولیه استخراج می‌شود و سپس کدها براساس شباهت‌ها در طبقات و زیرطبقه‌ها دسته‌بندی می‌شوند تا

1. World Economic Forum
2. Unilateralism
3. Joe Biden
4. Directed Content Analysis
5. Graneheim & Lundman

محتوای نهفته در آن‌ها مشخص شود و در ادامه به‌منظور تبیین مصداقی دو مورد از مصداقی گویه‌ها که بیشترین تشابه را با مواضع گفتمانی دارد به‌عنوان شاخص گفتمانی، نمایه می‌شود. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، برای تحلیل گفتمان مواضع رهبران ایرانی از وضع موجود و مطلوب از مواضع آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله رئیسی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران همچنین وزیر و معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است. در سوی دیگر نیز برای تحلیل گفتمان برای تحلیل مواضع طرف چینی از اظهارات «شی جین پینگ»، رئیس‌جمهوری خلق چین و رهبر حزب کمونیست این کشور، «لی چیانگ»^۱ نخست‌وزیر (۲۰۱۳-۲۰۱۳) و «وانگ یی»^۲، وزیر امور خارجه چین (۲۰۱۳-۲۰۲۲) استفاده شده است. لازم به ذکر است با توجه به محدودیت حجم مقاله، از ارائه تعداد قابل توجهی از گزاره‌ها و گویه‌ها به ناگزیر خودداری شده است.

۵-۱. ادراک از وضع موجود

۵-۱-۱. ایران

نمایه گفتمانی	زیرطبقه
«شرایط گیتی حساس و جهان در حال گذار از یک پیچ تاریخی بسیار مهم است. انتظار می‌رود که نظم نوین در حال تولد یافتن باشد...» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۷).	رهبر جمهوری اسلامی ایران
«وضع نظم جهانی در حال تغییر است... این تحول جهانی خوشبختانه در جهت تضعیف جبهه دشمنان جمهوری اسلامی است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۲/۱).	رهبر جمهوری اسلامی ایران
«ایران در مقابل باج‌خواهی‌های نظام سلطه، ایستاده و بنابراین ۴۴ سال است که مورد کینه و تحریم آنان قرار گرفته است، اما ملت ایران از تحریم‌ها و تهدیدها برای خود فرصت ساخته و آن را به بستر پیشرفت تبدیل کرده است» (ابراهیم رئیسی، ۱۴۰۲/۳/۲۳).	رئیس‌جمهوری اسلامی ایران
«سلطه‌گران با تهدید و تحریم، امپراتوری رسانه‌ای، بحث‌های حقوق بشری، سازمان‌های بین‌المللی، مداخله نظامی، انحصار علم و فناوری و دخالت در امور داخلی کشورها سلطه خود را اعمال می‌کنند» (ابراهیم رئیسی، ۱۴۰۲/۳/۲۳).	رئیس‌جمهوری اسلامی ایران
«اگر در همه دنیا به خواست ملت‌ها احترام گذاشته شود و قدرت‌های سلطه‌گر در مقابل رأی ملت‌ها خودکامگی نشان ندهند شرایط در دنیا متفاوت خواهد شد...» (ابراهیم رئیسی، ۱۴۰۲/۳/۲۵).	رئیس‌جمهوری اسلامی ایران

1. Li Keqiang
2. Wang Yi

<p>«به نظر می‌رسد الگوهای امنیتی موجود برای دستیابی به همکاری‌های جمعی در منطقه کهنه‌شده است» (عبداللهیان، ۱۴۰۲/۳/۱۶).</p> <p>«امروز موضوعات در دستورکار ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی، توجه به ارزش‌های ملی و حذف دلار است که اقتصاد بسیاری از کشورها را شرطی و با چالش مواجه کرده است» (عبداللهیان، ۱۴۰۲/۳/۱۱).</p>	<p>وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران</p>
<p>«یکی از دلایل اصلی کشورها برای عضویت در سازمان شانگهای مقابله با سیاست‌ها و اقدامات یک‌جانبه غرب و به‌ویژه آمریکا است» (باقری، ۱۴۰۲/۲/۳۰).</p> <p>«درحالی‌که غرب در رؤیای «پایان تاریخ» به سر می‌برد، جهان به تدریج با «آغازی در تاریخ» مواجه شده است. بدون شک نظام بین‌الملل دیگر تک‌قطبی نیست» (باقری، ۱۴۰۲/۲/۳۰).</p>	<p>معاون سیاسی وزارت امور خارجه ایران</p>

منبع: نویسندگان

۵-۱-۲. چین

نمایه گفتمانی	زیرطبقه
<p>چین آماده همکاری گسترده با سایر کشورها در زمینه نوآوری‌های علمی و فناوری است و فعالانه در تلاش برای مقابله با چالش‌های جهانی مانند تغییرات آب‌وهوا، پاسخ به بیماری همه‌گیر و بهداشت عمومی مشارکت و ترویج می‌کند» (Xi Jinping, 2023, pp. 6-16).</p> <p>«چین از حفظ حقوق بشر از طریق امنیت حمایت می‌کند، بر لزوم احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی همه کشورها، پیروی مشترک مسیر توسعه صلح‌آمیز، اقدام براساس ابتکار جهانی امنیت و ایجاد محیطی امن و صلح‌آمیز برای تحقق انسان توجه دارد» (Xi Jinping, 2023, pp. 6-14).</p>	<p>رهبر جمهوری خلق چین</p>
<p>«همه طرف‌ها باید قاطعانه به چندجانبه‌گرایی پایبند باشند» (Keqiang, 2020, pp.11-12).</p> <p>«از اصول مهم ایجاد اجماع، تطبیق سطوح آسایش یکدیگر و عدم ارجاع اختلافات دوجانبه به سیستم‌های چندجانبه است» (Keqiang, 2020, pp.11-12).</p>	<p>نخست‌وزیر جمهوری خلق چین</p>
<p>«چین به‌عنوان اولین کشوری که منشور سازمان ملل را امضا کرد، تلاش‌های بی‌وقفه‌ای برای حفظ صلح و توسعه جهان و درعین حال بهره‌مندی از آن انجام داده است» (Wang Yi, September 28, 2020).</p> <p>«ما هرگز در امور داخلی کشورهای دیگر دخالت نمی‌کنیم و به کشورهای دیگر اجازه دخالت در امور داخلی را نمی‌دهیم. ما در مقابل شیوه‌های قلدری ایستاده‌ایم» (Wang Yi, September 28, 2020).</p>	<p>وزیر امور خارجه جمهوری خلق چین</p>

<p>«توسعه باکیفیت بالا اولویت اصلی ساخت یک کشور مدرن سوسیالیستی در همه جنبه‌ها است. توسعه اولویت اصلی حزب در حکومت است. هیچ‌گونه تغییر و انحرافی در دوگانه توسعه و امنیت، به سمت امنیت پیدا نکرد و کماکان توسعه اولویت اصلی حزب کمونیست است.»</p> <p>«فرایند اصلاحات شورای امنیت به‌طور فراگیر به رسمیت شناخته‌شده و نتایج آن به‌مرورزمان، دستخوش تغییر نشده و همچنان محترم شمرده شود» (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۲/۲/۱۱).</p>	<p>بیانیه حزب کمونیست جمهوری خلق چین</p>
---	--

۵-۲. انتظار از نظم مطلوب

۵-۲-۱. ایران

نمایه گفتمانی	زیرطبقه
<p>«شما جوان‌ها آن روز را خواهید دید که این دنیای متمدن غربی از نبود معنویت، دچار هلاکت و نابودی خواهد شد، از اوج توانایی‌ها و اقتداری که امروز از آن برخوردار است، به حسیض ذلت و ناتوانی خواهد افتاد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۷).</p> <p>«... نظم جدیدی برجهان حاکم خواهد شد. فکر مقاومت و جبهه مقاومت در مقابل زورگویی گسترش خواهدیافت، که مبتکرش جمهوری اسلامی است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۸/۱۱).</p>	<p>رهبر جمهوری اسلامی ایران</p>
<p>«سازمان ملل باید سازمان ملت‌ها و نه دولت‌ها باشد» (ابراهیم رئیسی، ۱۴۰۲/۳/۲۳).</p> <p>«دنیای نوین، نظمی نوین می‌طلبد که در آن چندجانبه‌گرایی واقعی، هم‌افزایی حداکثری، همبستگی و دوری هرچه بیشتر از یک‌جانبه‌گرایی رواج یابد تا درنهایت نظمی عادلانه و منصفانه پدید آید» (ابراهیم رئیسی، ۱۴۰۱/۱۱/۲۶).</p> <p>«نظم نوین جهانی به نفع مقاومت و ایستادگی و به ضرر مستکبرین رغم خواهد خورد» (ابراهیم رئیسی، ۱۴۰۲/۳/۲۳).</p>	<p>رئیس جمهوری اسلامی ایران</p>
<p>«حقیقت این است که نظم جهانی جدید در حال شکل‌گیری است، این امر شامل فاصله گرفتن از نظام تک‌قطبی و یک‌جانبه‌گرایی است و اکنون تمرکز بازیگران اصلی جهانی بر موضوع چندجانبه‌گرایی و چندقطبی بودن است» (عبداللهیان، ۱۴۰۲/۳/۱۶).</p> <p>«تلاش می‌کنیم در تمام گفت‌وگوهای دو و چندجانبه حتماً یکی از محورهای گفت‌وگوها تلاش برای حذف دلار از چرخه تبادلات باشد» (عبداللهیان، ۱۴۰۲/۳/۱۱).</p>	<p>وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران</p>
<p>«جهان درحرکت به سمت ایجاد نهادها و قواعد جدید قرارگرفته و این‌بار اما برخلاف گذشته، جهان جدید نه از میان جنگ با ابزارهای سخت نظامی، بلکه به‌طور عمده از دل ابزارهای نرم و رویارویی‌های غیرنظامی در حال ظهور است» (باقری، ۱۴۰۲/۲/۳۰).</p>	<p>معاون سیاسی وزارت امور خارجه ایران</p>

«پرواضح و مبرهن است که در روند آتی جهانی و نظم جدید پیش‌رو، از رفتار یک‌جانبه و سلطه‌جویانه آمریکا استقبال نخواهد شد و در صورت عدم اصلاح، پیش‌بینی افول بیش‌ازپیش برای این کشور دور از واقعیت نیست» (باقری، ۱۴۰۲/۲/۳۰).

منبع: نویسندگان

۵-۲-۲. چین

نمایه گفتمانی	زیرطبقه
«چین آماده همکاری با جامعه بین‌المللی برای اجرای روح اعلامیه وین و برنامه اقدام و هدایت حاکمیت جهانی حقوق بشر به سوی انصاف، عدالت، برابری و فراگیری بیشتر، ترویج ساخت جامعه انسانی با آینده مشترک، و به‌طور مشترک ساخت دنیای بهتری است» (Xi Jinping, 2023, pp. 6-14).	رهبر جمهوری خلق چین
«ابتکار توسعه جهانی، ابتکار امنیت جهانی و ابتکار تمدن جهانی برای ارائه راه‌حل‌های چین در مقابله با چالش‌های آینده جهانی مطرح است» (Xi Jinping, 2023, pp. 6-16).	
«چین مایل به ایجاد شبکه «خط سریع» و «خط سبز» برای تبادل پرسنل و جریان کالا با سایر کشورهای منطقه است تا از بهبود کار در دنیا حمایت کند و بهبود اقتصادی را موجب شود» (Keqiang's, 2020, pp. 11-12).	نخست‌وزیر جمهوری خلق چین
«در اجلاس تجاری و سرمایه‌گذاری چین و آسه آن، چین پرچم تجارت آزاد و چندجانبه‌گرایی را بالا نگه خواهد داشت و نظرات مهمی را در مورد تقویت همکاری‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، ایجاد زنجیره صنعتی و زنجیره تأمین در منطقه و تعمیق یکپارچگی اقتصادی منطقه ارائه خواهد کرد.» (Keqiang's, 2020, pp. 11-12).	
«در دنیای تغییرات عمیق، موضع طرف چینی بسیار روشن است. همه کشورها باید مشترکاً از مضمون دورانی که شامل صلح و توسعه است، حمایت کنند» (Wang Yi, September 28, 2020).	وزیر امور خارجه جمهوری خلق چین
«چین محکم در مسیر توسعه صلح‌آمیز باقی خواهد ماند و با سایر کشورها برای مقابله با رویکرد تنگ‌نظرانه‌ای که منافع یک کشور را در اولویت قرار می‌دهد و رویه خطرناک بازی با جمع صفر است، همکاری خواهد کرد» (Wang Yi, September 28, 2020).	
«اصلاحات شورای امنیت باید تابع انصاف و عدالت انجام شود و حضور کشورهای در حال توسعه را افزایش داده و برای کشورهای کوچک و متوسط این فرصت را فراهم کند تا در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند.» (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۲/۲/۱۱).	بنیانیه حزب کمونیست جمهوری خلق چین
«پیشرفت اساسی در ایجاد نام‌های تجاری، ایجاد زیرساخت‌های پیشرفته و اثربخش کیفی، و بهبود نظام مدیریت کیفی، تا سال ۲۰۲۵، ایجاد بنیان مستحکم، پیشرفته و توسعه‌یافته برای فرهنگ‌سازی و توسعه کیفیت» (دیدبان فناوری، ۱۴۰۱/۱۱/۲۹).	

آن چنان که ارزیابی مواضع رهبران ایران و چین در جداول مذکور نشان می‌دهد درحالی که رهبران چین مواضع گفتمانی خود را در انتقاد از وضع موجود نظام بین‌المللی و انتظار از آینده با واژگان اقتصادی و مبتنی بر ضرورت همکاری‌های دوجانبه صورت‌بندی کرده‌اند، صورت‌بندی مواضع گفتمانی رهبران ایران از وضع موجود و انتظار از وضع آینده مبتنی بر تقابل و دارای ماهیت فلسفی است.

نتیجه‌گیری

نحوه نگرش به جهان بیرونی در گفتمان‌ها و فرهنگ‌های مختلف منجر به ایجاد نقاط اشتراک و افتراق متفاوتی در مواضع اعلانی و اعلامی کشورها می‌شود و بدیهی است به هر میزان نحوه نگرش رهبران دو کشور به نظام بین‌الملل از تشابه بیشتری برخوردار باشد، بخت همگرایی میان آن دو نیز افزایش خواهد یافت. آن چنان که این پژوهش به روش تحلیل محتوای گفتمانی و معناشناسی شناختی نشان داد با وجود مواضع انتقادی رهبران ایران و چین در قبال نظم بین‌المللی موجود در جهان، به نظر می‌رسد تفاوت‌های گفتمانی بین دو طرف محسوس است. به بیان بهتر مطابق اظهارات رهبران، مقامات و اسناد منتشره حزب کمونیست چین در گفتمان سیاست خارجی و نحوه نگرش این کشور به وضع موجود وضع مطلوب نظام بین‌الملل مختصاتی منحصربه‌فرد وجود دارد که از آن جمله می‌توان به ضرورت نوسازی بیشتر اقتصادی، ملی‌گرایی و تطابق‌گرایی با نظم بین‌المللی یا به‌نوعی بین‌الملل‌گرایی اشاره کرد که تأکیدی جدی بر چندجانبه‌گرایی به شمار می‌رود.

در ارتباط با اقتصادگرایی و نوسازی اقتصادی در گفتمان سیاست خارجی جمهوری خلق چین می‌توان به این نکته اشاره کرد که از منظر گفتمان چینی، هدف اصلی سیاست خارجی پکن، بیشتر مبتنی بر عمل‌گرایی، توسعه اقتصادی و کسب سود تجاری از افزایش مراودات است. نگرش اقتصادگرایی گفتمانی در تحلیل وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب از سوی رهبران چین موجب شده است، چین رشد اقتصادی بی‌بدیلی را طی سه دهه گذشته تجربه کند که تأثیرات حاصل از آن قابل مقایسه با «دوران رنسانس» و «انقلاب صنعتی» است. دو مؤلفه دیگر مؤثر بر نگرش گفتمانی رهبران چین در نظام بین‌الملل، اعتقاد توأمان به ملی‌گرایی و بین‌الملل‌گرایی است که این دو مؤلفه نقش بسیار مهمی را در سیاست‌های جمهوری خلق چین ایفا می‌کنند.

بین‌الملل‌گرایی چینی‌ها در نظام بین‌الملل به آن معنا است که رهبران چین تنظیم روابط بین‌المللی را با پذیرش وضعیت موجود و رعایت قواعد بازی جهانی انجام می‌دهند و با وجود آنکه خواهان ایجاد نظام چندقطبی و منتقد نظام تک‌قطبی هژمونیک به رهبری آمریکا هستند، با نگرش صبورانه‌ای که به تحولات جهانی دارند از هر اقدام عملی علیه نظم موجود جهان خودداری می‌کنند. در همین حال، ناسیونالیسم چینی نیز که در عین حال با روحیه نظم‌گرایی چینی‌ها در نظام بین‌الملل عجین شده، تاکنون منجر به آن شده است تا مردم چین ضمن حساسیت به حاکمیت و تمامیت ارضی و سرنوشت کشور خود، بر مبنای آموزه‌های اخلاقی کنفوسیوسی، تلاش بسیاری را معطوف سازندگی و اعتلای کشور خود سازند.

از سوی دیگر، تحلیل گفتمانی اظهارات رهبران جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد هرچند رهبران ایران مانند رهبران چین قائل به حساسیت به تمامیت ارضی و حاکمیت کشور هستند، اما به نظر می‌رسد تأثیر این حساسیت تصمیم‌سازان ایرانی به همراه تأثیرات حاصل از ملاحظات فلسفی در قبال غرب به حدی بوده است که نگرش‌های بین‌الملل‌گرایانه و اقتصادگرا را تحت تأثیر قرار داده است. به عبارت بهتر، برخلاف مشابهت‌های آرمان‌های دو کشور ایران و چین در زمینه انتقاد از نظم موجود جهانی، به نظر می‌رسد، رویکردهای دو کشور در قبال مسائل جهانی به میزان قابل توجهی متفاوت است و در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران تلاش برای تغییرات سریع‌تر و بنیادین در نظام بین‌الملل را در اولویت قرار داده است، چین از طریق تلاش‌های دیپلماتیک، تقویت روابط و ارتباطات بین‌المللی، توسعه شبکه فعالیت‌ها و همچنین انجام و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، امیدوار است که به شکلی آرام و خزانده به چالش با نفوذ آمریکا در مناطق مختلف جهان از جمله آفریقا و آمریکای لاتین پردازد. رهبران چین در این چهارچوب، بر این باور هستند که هرچند تداوم ثبات داخلی مستلزم ادامه رشد و توسعه اقتصادی است و بخش قابل توجهی از این مهم نیز از طریق تأمین نیازهای روزافزون انرژی قابل تحقق است، اما در عین حال توسعه اقتصادی نیز بدون وجود محیطی صلح‌آمیز و باثبات در عرصه بین‌الملل محقق نخواهد شد. در این راستا رهبران چین هرچند برخی اوقات با به‌کارگیری راهبرد نفوذ غیرمستقیم و به‌صورت محتاطانه سعی در ایجاد ارتباط با کشورهای دارند که غرب می‌کوشد آنان را منزوی سازد، اما به این نتیجه نیز رسیده‌اند، در صورت لزوم ناگزیر باید فشارهایی را که از سوی ایالات متحده به‌عنوان طرف مسئول در امور بین‌المللی اعمال می‌شود، تحمل کنند.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد مواضع گفتمانی ایران در تحلیل وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب تا حدودی مغایر با مواضع گفتمانی رهبران جمهوری خلق چین در قرن ۲۱ است و با وجود برخی از مشابهت‌های گفتمانی نمی‌توان انتظار داشت دو کشور از منظر گفتمانی وارد فرایند اتحاد راهبردی شوند. افزون بر این مروری بر گفتمان‌های داخلی دو کشور نشانگر این نکته است که در شرایطی که بخش مهمی از عوامل گفتمان‌ساز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متأثر از اسلام شیعی است، سیاست خارجی جمهوری خلق چین به‌ویژه از مؤلفه‌های گفتمانی مارکسیسم چینی متأثر شده است و این دو مؤلفه گفتمانی در بنیان‌های فلسفی و نحوه نگرش به جهان و عملکرد در نظام بین‌الملل، قرابت چندانی با یکدیگر ندارند و هر چند می‌توان در هر دو باور، عناصری مبتنی بر تمایل به تغییرات بنیادین در وضع موجود را شناسایی کرد اما نحوه و جهت تغییرات در این دو گفتمان با یکدیگر متفاوت است. بدین ترتیب حاکمیت عناصر تعاملی و عمل‌گرایانه در مواضع گفتمانی سیاست خارجی چین در مقابل حاکمیت برخی عناصر آرمان‌گرا و تقابل‌گرا در مواضع گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران موجب می‌شود تا یافتن عرصه همکاری‌های راهبردی برای دو کشور از منظر گفتمانی دچار دشواری بیشتری شود و ایران و چین نتوانند سطوح راهبردی را در گسترش روابط با یکدیگر بازتعریف کنند.

فهرست منابع

- باقری، علی (۱۴۰۲). چشم‌انداز سیاست خارجی در پرتو نظم جدید جهانی، <http://fna.ir/3cfzt9>. ۱۴۰۲/۰۲/۳۰.
- حقیقت، صادق؛ سید حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۷). *گفتمان، رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: سمت.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱). *بیانات در دیدار دانش آموزان*، ۱۴۰۱/۰۸/۱۱، <https://khl.ink/f/51259>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰). *بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام*، ۱۴۰۰/۰۸/۰۲، <https://khl.ink/f/48891>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰). *بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث*، ۱۳۹۰/۰۹/۰۹، <https://farsi.khamenei.ir>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). *هشت اولویت کاری دولت یازدهم در حوزه سیاست خارجی*، ۱۳۹۲/۰۶/۰۷، <https://khl.ink/f/23720>
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۲). *آمریکا و نظم جدید جهان*، ۱۴۰۲/۰۲/۰۱، <https://khl.ink/f/52575>
- خبرگزاری مهر، *چین خواستار اعمال اصلاحات در شورای امنیت سازمان ملل شد*، mehrnews.com/x323sX. ۱۴۰۲/۲/۱۱.
- دیدبان فناوری، توسعه کیفی، هدف بزرگ نقشه راه آینده چین، ۱۴۰۱/۱۱/۲۹، سایت didebanefanavari.com، کدخبر: ۶۴۰۱-۲۰۲۳۰۲۱۸.
- رئیسی، سید ابراهیم (۱۴۰۲). *نظم نوین جهانی حتماً به نفع جریان مقاومت و کشورهای مستقل دنیا رقم خواهد خورد*، ۱۴۰۲/۳/۲۵، mshrgh.ir/1499506
- رئیسی، سید ابراهیم (۱۴۰۲). *نشانه‌های تحقق نظم نوین جهانی در افول قدرت‌های سلطه‌گر مشاهده می‌شود*، ۱۴۰۲/۳/۲۳، isna.ir/xdP3yY
- رئیسی، سید ابراهیم (۱۴۰۱). *نظام کهنه رفتنی است/ دنیای نوین، نظم نوین می‌طلبد*، ۱۴۰۱/۱۱/۲۶، <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-870417>
- زاهدی خطیر، الهام؛ صالحی، مختار (۱۴۰۱). *روندپژوهی تداوم جنگ تجاری آمریکا علیه چین ۲۰۲۲-۲۰۱۸*، فصلنامه روابط خارجی، سال چهاردهم، شماره ۳، صص ۱۶۲-۱۳۳.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۳). *تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش*، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸.

- شریعتی، شهروز؛ پورنجفی، وجیهه‌سادات (۱۳۹۴). *ظرفیت استراتژیک ایران در دکتربین خیزش صلح‌آمیز چین، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، سال یازدهم، شماره ۳، ۱۳۹-۱۶۹.
- شفیعی، نوذر (۱۴۰۱). *از جدایی اقتصادی تا پیوند بیشتر: تحلیلی بر آینده جنگ تجاری آمریکا علیه چین*، فصلنامه روابط خارجی، سال چهاردهم، شماره یک.
- امیرعبداللهیان، حسین (۱۴۰۲). *ایران کنشگر و قدرت اصلی در تحولات منطقه‌ای است*، ۱۴۰۲/۳/۱۱. <https://irna.ir/xjMBFR>
- امیرعبداللهیان، حسین (۱۴۰۲). *ایران بسیاری از معادلات جهانی را می‌تواند تغییر دهد/از نظم تک‌قطبی به نظم چندجانبه می‌رویم*، ۱۴۰۲/۲/۶، <https://tn.ai/2885323>
- امیرعبداللهیان، حسین (۱۴۰۲). *سیاست منزوی‌سازی ایران شکست‌خورده است*، ۱۴۰۲/۳/۱۶. <https://www.mizanonline.ir/00Jmvp>
- امیرعبداللهیان، حسین (۱۴۰۲). *شانگهای و بریکس می‌توانند در نظم جدید جهانی نقش مهمی ایفا کنند*، ۱۴۰۲/۳/۱۱. <https://www.mizanonline.ir/00Jmnr>
- فیلیپس، لوییژ؛ یورگنسن، ماریان (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کریمی، غلامرضا؛ نصیری، محمد؛ میرترابی، سعید (۱۴۰۰). *موقعیت هژمونیک دلار آمریکا و چشم‌انداز آن توسط یورو و یوان*، فصلنامه روابط خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، پیاپی ۵۲.
- مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۸۸). *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاوالس، تیموتی؛ استرید، استو (۲۰۱۸). *چین و نظم بین‌الملل*، تهران: مترجمین، محسن محمودی و جواد عرب یارمحمدی، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- های، کالین (۱۳۸۵). *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران: نشر نی.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۷). *نظریه گفتمان*، ترجمه سید علی‌اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره ۲.

References

- Adkin, Laurie, (2022), "Hegemony & Counter-Hegemony", <https://doi.org/10.22215/stkt/al18>.
- Ashraf, Nussaiba, (2019), Revisiting international relations legacy on hegemony The decline of American hegemony from comparative perspectives, Review of Economics and Political Science, Address: www.emeraldinsight.com/2631-3561.htm
- Berman, Sheri (1998), The Social Democratic Moment: Ideas and Politics in the Making of Interwar Europe, Cambridge: Harvard University Press.
- Byun, Won, (2021), Chinese Views of Hegemony and Multilateralism in the Biden Era, Address: <https://theasanforum.org/chinese-views-of-hegemony-and-multilateralism-in-the-biden-era/#1>
- Callco, David, (1987), "Beyond American Hegemony: The Future of the Western Alliance", Published by Basic Books.
- Cox, R. (1983), "Hegemony, and international relations: an essay in the method", Millenium: Journal of International Studies, Vol. 12 No. 2, pp. 162-175.
- Giplin, R. (1981), War and Change in World Politics, Cambridge university press, Cambridge.
- Goldstone, J.A. (1987), Untitled [Review of the book Empire, by MichaelW. Doyle], American Journal of Sociology, Vol. 39 No. 3, pp. 730-732.
- Gramsci, Antonio, (1971), "Hegemony", Intellectuals and steak: selections from prison Notebooks, London.
- Graneheim, UH. Lundman, B (2004), "Qualitative Content Analysis in NursingResearch: Concepts, Procedures and Measures to Achieve Trustworthiness", Nurse Education Today, 24.
- Ikenberry, G. John & Daniel H. Nexon, (2019), "Hegemony Studies 3.0: The Dynamics of Hegemonic Orders" Security Studies, Pages 395-421 | Published online: <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/09636412.2019.1604981>
- Ikenberry, G.J. (1999), "Institutions, strategic restraint, and the persistence of American postwar order", International Security, Vol. 23 No. 3, pp. 43-78.
- Ikenberry, J. (1998), "Constitutional politics in international relations", European Journal of
- Ikenberry, John J. (2006), After Victory, Chicago: Stanford University Press
- Jervis, Robert, (1978), "Cooperation under the Security Dilemma", World Politics, 214-167: (2)30.

- Kaufman, Stuart J, Wohlforth, William C and Little, Richard, (2007), "The Balance of Power in World History", Cambridge University Press.
- Kindelberger, C.P. (1973), The World in Depression, 1929-1939, University of Columbia press, New York, NY.
- Laclau, Ernesto and Chantal Muffe (1985), Hegemony & Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics, London – New York: Verso.
- Leonard, Mark, (19Apr 2023), Chinese leader Xi Jinping's idea of a new world order, Address: <https://www.japantimes.co.jp/opinion/2023/04/19/commentary/world-commentary/xi-world-order/>
- Li Keqiang's, (2020-11-12), The Ministry of Foreign Affairs Holds a Briefing for Chinese and Foreign Media on Li Keqiang's Attendance at the East Asian Leaders' Meetings on Cooperation, Address: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/topics_665678/2020zt/kjgzbdyfq/202011/t20201113_701327.html
- Wang Yi, (September 28, 2020), Wang Yi Deliver a Speech at the Opening Ceremony of the Lanting Forum on International Order and Global Governance in the Post-COVID-19 Era, Address: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/topics_665678/2020zt/kjgzbdyfq/202009/t20200930_701173.html
- Weber, Max (2011), Methodology of Social Sciences, Translated and Edited by Edward Shils, Henry A. Finch, New jersey: Transaction publishers.
- Xi Jinping, (2023-06-14), Xi Jinping Holds Talks with Palestinian President Mahmoud Abbas, Address: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/zxxx_662805/202306/t20230618_11099414.html
- Xi Jinping, (2023-06-16), Xi Jinping Meets with Co-chair of the Bill & Melinda Gates Foundation of the United States Bill Gates, Address: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/zxxx_662805/202306/t20230618_11099428.html